

حالا که همه جوره زمینه فراهم است، دیگر افطاری دادن اینقدرها هم سخت نیست، بیشتر توفیق می‌خواهد. هیئت بیت‌النبی عَلَيْهِمُ السَّلَام، طرحی ارائه کرده با هدف ترویج انفاق در جامعه که بزرگ و کوچک خانواده‌را به کار می‌گیرد تا در کنار آماده‌سازی افطار برای خود، چند پرس بیشتر غذا آماده کنند. بچه‌های هیئت هم می‌آیند و تحویل می‌گیرند و به نیازمندی که شناسایی شده‌اند می‌رسانند. ممکن است، کسی به هر دلیل نتواند غذا طبخ کند؛ در این صورت می‌تواند، هزینه‌ای که مدنظر دارد را به حساب هیئت واریز کند تا آنها اقلام مورد نیاز طبخ غذا را تهیه کرده و در اختیار خانواده‌هایی قرار دهند که با وجود توانمندی برای طبخ غذا، از نظر مالی توان تأمین مواد اولیه را ندارند؛ به این ترتیب، هیچ کس از ثواب افطاری دادن محروم نمی‌ماند.

شیرینی طرح را در نیمه ماه مبارک خواهید چشید که هیئت در قالب «یک‌پزون» دو دستور ساده پخت کیک را در اختیار خانواده‌های علاقمند قرار می‌دهد تا کام نیازمندان هم در شب میلاد کریم اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام شیرین شود.

فکر کفاره آنهایی که به هر دلیل نتوانسته‌اند روزه بگیرند را هم کرده‌اند. یک حساب جداگانه افتتاح شده که با موجودی آن، نان تهیه می‌شود و به دست مستحق می‌رسد.

سه سال است که این کار، در منطقه نیروگاه قم در حال اجراست و از آب و گل درآمده و کم‌کم دارد مساجد و هیئات و گروه‌های جهادی بیشتری را درگیر خود می‌کند. اگر می‌خواهید شما هم از تجربیاتشان بهره‌مند شوید یا در کار خیرشان مشارکت کنید، به سایت هیئت، به نشانی www.beytonabi.ir سری بزنید.

طلاب جهادی، سخنرانان پیش از خطبه‌های نماز جمعه سراسر کشور

همزمان با فرارسیدن نخستین جمعه ماه مبارک رمضان و با هدف پاسداشت شهادت حجج اسلام اصلانی و دارایی، سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه سراسر کشور، توسط دبیران استانی دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزوی ایراد شد. طلاب جهادی در سخنرانی‌های خود ضمن محکومیت هتک حرمت حرم مطهر رضوی، خواستار محاکمه عاملین این جنایت شدند.

اردوی سازندگی طلاب غیر ایرانی در استان خوزستان

۱۸۰ نفر از طلاب غیر ایرانی جامعه المصطفی عَلَيْهِمُ السَّلَام در ایام نوروز در اردوی سازندگی شرکت کردند. دیوار چینی ۹ منزل برای محرومین، زیباسازی مدارس و همچنین برگزاری کلاس‌های تربیتی و آموزشی برای کودکان و نوجوانان و اعزام طلاب مستبصر (مشرقیین به دین اسلام) به مساجد، بخشی از فعالیت‌های صورت گرفته در این اردو بود.

حجت‌الاسلام پاکدامن: با قدرت راه خود را ادامه می‌دهم

حجت‌الاسلام والمسلمین پاکدامن، از طلاب فعال در مناطق کم برخوردار حاشیه شهر مشهد که در حادثه تروریستی حرم مطهر رضوی دچار جراحت شد، ضمن تشریح این واقعه تلخ اظهار داشت: این رویداد باعث عقب‌نشینی مانی‌شود، بلکه با قدرت و قوت راه خود را در مسیر تبلیغ دین و خدمت به محرومین ادامه خواهیم داد.

از همان اول، بنا نداشتیم که فقط گوینده باشیم؛ می‌خواهیم دعوتان کنیم به نوشتن در این نشریه. شما هم می‌توانید یک ستون، یا تمام محتوای نشریه را به عهده بگیرید و حرف‌هایتان را از این تریبون به گوش طلبه‌ها برسانید.

در شناسه [@khatejihad_admin](mailto:khatejihad_admin) ایتا منتظر مطالب و نظرات شما هستیم.

شناسنامه	ماهنامه خط جهاد؛ نشریه تخصصی جهادگران حوزوی سال اول ماه چهارم شماره چهار
@khatejihad_admin	صاحب امتیاز: دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه‌های علمیه کشور
www.jahadgaranhowzavi.com/mag	مدیر مسئول: ابوالفضل علیخانی سردبیر: روح‌الله جلالوند مدیر هنری: عبدالحمید ابراهیمی نیا
khatejihad.mag@gmail.com	ویراستار: مهدی کمیلی فر
۰۲۵-۳۲۹۴۲۱۰	

روایت شیرینی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّاسَ وَ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَظْلَكُمْ شَهْرٌ... وَ هُوَ شَهْرُ الْمَوَاسَاةِ وَ هُوَ شَهْرٌ يَزِيدُ فِيهِ فِي رِزْقِ الْمُؤْمِنِ وَ مَنْ فَطَّرَ فِيهِ مُؤْمِنًا صَائِمًا كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِتْقٌ رَقَبَةٍ وَ مَغْفَرَةٌ لِدُنُوبِهِ فِيمَا مَضَى

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به مردم فرمودند: ای مردم! ماهی بر شما سایه افکنده که ماه همدردی است؛ ماهی که خدا روزی مؤمن را بیفزاید؛ هر که روزه‌دار مؤمنی را افطار دهد، نزد خدای عزوجل ثواب آزاد کردن بنده‌ای دارد و گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود. ندارم!

[منبع: الأماي (للصدوق)، النص، ص: ۸۱]

خط جهاد

ماهنامه تخصصی جهادگران حوزوی / اردیبهشت ۱۴۰۱ | شماره چهار

روح‌الله جلالوند

عاشورای خونین ۱۳۷۳ حرم رضوی، پیشامدی جدای از ماقبل و مابعد نیست؛ «شهادت اصلانی» و «شهادت دارایی» را هم شهید همان عاشورا بدان و «پاکدامن» را مجروح همان معرکه. همانگونه که همه‌شان را جزو اصحاب سیدالشهداء عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌خوانی، مأموریت رزمنده‌ی لشکر ۵ نصر این بود که حاشیه‌ی اروند را بسپارد به برادران شهیدش و حاشیه‌ی مشهد را دریابد تا در قلب مشهد که نه، در قلب عالم، مدالش را در سنگر فرماندهی بگیرد. این دیگر خوزستان و سال شصت و چند نمی‌خواهد. مشهد، جُرح‌تاون، حلب، کازرون، زاریا، نجف، تهران و پیشاور هم حکم همان سنگرهای خوزستان یا همان خیمه‌گاه حسین‌بن‌علی عَلَيْهِ السَّلَام در کربلا را دارد و انگار پیکرها را یکی یکی حسین عَلَيْهِ السَّلَام به سمت خیمه دارالحرب برده. پس بی‌دلیل نیست که رو به مرقدشان دست به سینه می‌گویی: «السلام علیکم یا انصار دین الله».

اصلاً زمان و مکان را ساخته‌اند که برای حسین عَلَيْهِ السَّلَام و آل او، یار جمع کنند؛ بیشتر یار جمع کنند و بیشتر. وگرنه جهان، این همه سال دور باطل بزند که چه؟! همین است که «یاران»، فرامین رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام به اصحاب‌شان را دنبال می‌کنند تا از این قافله جا نمانند. نمی‌دانم کجا بود؟ شاید گوشه مسجدی یا خیمه و خرگاهی در خارج از شهر بود که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داشت با اسامه -فرمانده‌ی جوانش- صحبت می‌کرد که اصلانی و دارایی شنیدند و بالأخره عمل کردند؛ «ای اسامه! اگر می‌توانی کاری کنی که لحظه جان دادن گرسنه باشی و جگرت تشنه، اینگونه باش که شرافتمندترین جایگاه‌ها نصیبت خواهد شد»^۱

نقاره‌خانه امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام هم گواهی می‌دهد که صدای طبل و گرنای نقاره‌زن‌هایش هیچ‌وقت به هماهنگی بانگ «الرحیل» اصلانی و دارایی نبوده. مگر فریادی که از حلقوم جهادگران تشنه برخاست را نشنیدی؟ «به دنبال قتلگاه برای خودت نگرد! مقتل زیر پای توست! همان جا که «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا» را نبوش کرده‌ای».

سیر تأخیر دارایی برای پرواز را نمی‌دانم ولی به گمانم، ماند شب جمعه با شهدای عاشورای ۷۳ برود کربلا یا اینکه محوتوصیف مهدی باکری از آن طرف اروند شد که دل ن‌کند.

۱. شهری در کشور گویان واقع در آمریکای جنوبی که سال ۱۳۸۳ شاهد شهادت حجت‌الاسلام محمدحسن ابراهیمی بود.
۲. التحصین فی صفات العارفين، ابن فهد حلی، ص: ۲۰.

در موقع خدمت‌رسانی، اگر کاری سخت است، منتظر نباشید که مردم از زحمت و تلاش شما قدردانی کنند؛ مهم جلب رضایت خداست، دنبال مزد از مردم نباشید. [مرحوم آیت‌الله علوی گرگانی رَحِمَهُ اللهُ]

در آغوش امام عَلَيْهِ السَّلَام

حجج اسلام شهیدان اصلانی و دارایی پس از سال‌ها خدمت به محرومین حاشیه شهر مشهد، در سومین روز ماه مبارک رمضان و با زبان روزه آسمانی شدند.

باب الشهداء



وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَطَهَّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿٢٦﴾

و خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجودکنندگان (از آلودگی بتها و از هر گونه آلودگی) پاک ساز

[سوره مبارکه حج آیه ۲۶]

گفت‌وگو



خدمت، رواندا، سازندگی

باقر نسنگی یارمیه، طلبه جهادگر غیر ایرانی در گفت‌وگوی اختصاصی «خط جهاد» از تجربه برگزاری اردوی سازندگی در کشورش می‌گوید:

دنبال یک جهادگر غیرایرانی می‌گشتم که «باقر» را معرفی کردند. سالها از آغاز آشنایی‌مان در اردوی سازندگی که یک مسئول روابط عمومی بود، می‌گذرد. حالا او با تجربه‌ای که کسب کرده، برای خیلی‌ها الگو شده است. ۱۲ ساعت هوایی فاصله دارد با وطنش؛ با رواندا؛ با والدینش؛ با آن سرزمینی که برایش نقشه‌ها کشیده. از برکت اخلاص والدینش که ابتدا مسیحی بودند و سپس اسلام اختیار کردند و در اوج، به تشیع مشرف شدند، حالا در همسایگی کریمه اهل بیت علیهم‌السلام طلبه‌ای است در جامعه‌المصطفی علیه‌السلام بانبوهی از اطلاعات و تجربه و البته ایمان. متن زیر گزیده گفتگو با او در ظهر دومین روز رمضان است که هرچند قادر نیست تمام احساسات نهفته در این گفتگوی شیرین که با لهجه مصفای او آمیخته است را به کام خوانندگان بچساند، اما کلمات و جملاتی که تلاش شده بی‌کم و کاست نقل شوند؛ خالص و دلنشین هستند؛ درست مثل خود او.

اطلاعی‌های برای شرکت در اردوی سازندگی در ایام تعطیلات نوروز دیدم. دفعه اول هوا و تغذیه و اسکان عالی و خلاف توقعم بود. خیلی نچسبید و تأثیر خوبی روی من نگذاشت؛ اما در اردوهای بعدی که شرکت کردم، دیدم نمی‌توانم از آن فاصله بگیرم. روحیه‌ای که از دوستانم دیدم و تجربیاتی که به دست آوردم، باعث شد «خدمت»، به یک کار فطری برای من تبدیل شود؛ پس تصمیم گرفتم خدمت‌راچه کوچک و چه بزرگ، حتما در برنامه آینده خودم قرار دهم.

اردوی سازندگی چه فواید و برکاتی برای شما داشته است؟

با اینکه خیلی گزارش‌نویسی و عکاسی و فوتوشاپ بلد نبودم، در یکی از اردوها مسئول روابط عمومی شدم. اما چون مسئولیت قبول کرده بودم، برای یاد گرفتن تلاش کردم. همین سبب شد وارد عرصه تبلیغ مجازی شوم. تبلیغ مجازی هم، نوعی خدمت است؛ ولی عرصه‌اش متفاوت است. برکات دیگرش کسب تجربه و افزایش ارتباط و همکاری‌ام با دوستان است. برایم تجربه شد که حتی بهترین مدیران، به‌تنهایی نمی‌توانند کارکنند. بنابراین وقتی به کشور برگردم می‌خواهم مثل بسیج چند جوان با روحیه جهادگری تربیت کنم. وقتی اینجا چنین امری محقق شده پس به فضل الهی جای دیگر هم خواهد شد.

چه مانعی سر راه خود می‌بینید؟

مانع در ابتدای کار، ضعف مالی است. دوربین هم ندارم که با کیفیت فیلم ضبط و منتشر

تعطیل بود. با دوستان برای بازسازی سقف و رنگ‌کاری و ساخت ۲ دستشویی مسجد رفتیم. پشت مسجد، یک مسیحی زندگی می‌کرد. ما را که دید از پایتخت آمده‌ایم و برای نیازمندان کار می‌کنیم، از خانه‌اش ملحفه و تشک و بشقاب و قابلمه آورد تا در روزهایی که آنجاییم استفاده کنیم. حتی آب شیرین در اختیارمان می‌گذاشت. این‌یعنی، مسیحی‌هم از خدمت به دیگران خوشش می‌آید چون خدمت‌کاری به دین ندارد و انسان بودن کافی است.

کسی به شما اعتراض کرده که چرا این کارها را می‌کنی؟

خیر، تا حالا کسی نگفته؛ ولی مطمئنم خواهد گفت؛ وقتی درآمدی نداری و برای دیگران وقت می‌گذاری، به تو اعتراض خواهند کرد. به فکر اشتغال‌زایی برای مردم نیازمند هستم که خودشان درآمدی داشته باشند و به من نیاز نداشته باشند؛ مثلاً برای توزیع لباس بین مردم، لازم است که کارگاه خیاطی داشته باشم تا پول خیرین کمتر هدر برود و لباس بیشتری تولید شود و از طرفی عده‌ای هم درآمدی کسب کنند. این کارگاه‌ها، انگیزه بیشتری به خیر می‌دهد؛ چون نشان دهنده همکاری مردم برای رفع مشکلات است.

مبنای کار شما چیست؟

همه، حتی جنایتکاران دنیا می‌دانند که کمک کردن خوب است ولی اجرای آن سخت و مهم است. من این لذت را چشیده‌ام و این سبب استمرار کارم شده است. اما از نظر دینی در کلام و رفتار اهل‌بیت علیهم‌السلام و علمای دین هم

کتابخانه جهادی

کتاب العشرة بحار الانوار

یادتان هست یکبار آقا در جمع جوانان خراسان شمالی در مورد سبک زندگی صحبت کردند؟ ایشان سبک زندگی غربی را آکنده از شهوت و مادیت معرفی کردند و سبک زندگی اسلامی را سرشار از ایمان و اعتقاد و امنیت دانستند. نکته‌اش اینجا بود که سبک زندگی را، مقدمه رسیدن به تمدن قلمداد کردند و از این راه، اهمیت موضوع را تبیین نمودند. همان وقت اشاره‌ای هم داشتند به بابی در کتب و منابع دینی به نام «کتاب العشرة» که به فرموده ایشان بسیاری از حدود را معین کرده و برایشان راهکار ارائه کرده است.

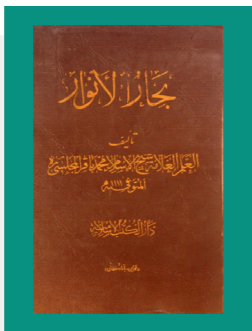
نمونه‌های فراوانی است. ای‌تام بعد از شهادت امام علی علیه‌السلام تازه متوجه شدند که هر شب از دست‌ایشان غذایی گرفتند. خلیفه‌مسلمانان با دست خودش نه به وسیله دیگری این کار را می‌کرده. در روایات و قصص آمده با دست خودتان کمک کنید. امام باقر علیه‌السلام وقتی چیزی را به مستمندی صدقه می‌دادند، مجدد آن را از او می‌گرفتند و می‌بوسیدند و باز آن را به او برمی‌گرداندند، زیرا صدقه پیش از رسیدن به دست مستمند، در دست خدا قرار می‌گیرد!

شما که تا این حد نسبت به خدمت انگیزه دارید و فعال هستید، چرا درس می‌خوانید؟ چه ارتباطی بین درس خواندن و خدمت است؟

علم چیز عجیبی است. عقل انسان را باز می‌کند و حقیقت را به انسان نشان می‌دهد. وقتی کسی فضیلت نماز را می‌داند، نمازش با دیگران فرق می‌کند؛ مانند آیت‌الله بهجت؛ هیچ‌وقت نماز من مانند نماز ایشان نخواهد بود.

وقتی مُلاً می‌شوی بیشتر می‌فهمی و با یقین بیشتر انجام می‌دهی. وقتی بدون آگاهی و صرفاً بعنوان انسان بودن کمک می‌کنی، خیلی فرق می‌کند با کسی که می‌داند در قرآن، قریب به این مضمون آمده «خدمت کردن، مانند یک دانه گندم است که بعد از کاشتن به خوشه گندم تبدیل می‌شود و برکت می‌کند!». عمل بدون علم و علم بدون عمل فایده ندارد.

- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص: ۱۴۴
- مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ نَبْثًا فَيَسْجَعُ مِنْهَا مِائَةً حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿سوره مبارکه بقره ۲۶۱﴾



کتاب بحارالانوار، یکی از همین مجامع حدیثی است که کتاب العشرة را در سه جلد ۷۱ تا ۷۳ جمع‌آوری نموده است. اکثر روایات موجود در این سه جلد نیز به حقوق متقابل مؤمنین نسبت به یکدیگر پرداخته است. مسئله خدمت به مؤمنین نیز در ابوابی همچون «ثواب من عال اهل بیت من المؤمنین»، «من أسکن مؤمناً»، «العشرة مع الیتامی»، «نصر الضعفاء و المظلومین» و... جان را صفا می‌بخشد.

دست‌نوشته

مُقَتِّی خوبی باش

عبدالحسین مهدوی

مُقَتِّی نبوده‌ای که پس از چند متر گدگن زمین در گرماگرم ظهر، عرق از نوک بینی‌ات، زودتر شر بخورد توی دامانت و به ساعد دستت فرصت ندهد که عرق را از پیشانی خشک کند. اگرچه دوستت آن بالا ایستاده تا با کیسه، خاک‌ها را بیرون بکشد ولی تو هرچه بیشتر حفر کنی، درد سقوط سنگ‌ریزه‌ها روی سرت بیشتر می‌شود. برایت تجربه می‌شود که موقع نگاه کردن به دهانه‌ی چاه که مدام تنگ و تنگ‌تر می‌شود دستت را حائل کنی تا مبادا خاک توی چشمت بریزد. دقیق معلوم نیست ابتدا پنجه‌های پا که کلی وقت است بهشان تکیه کرده‌ای زودتر خسته شده‌اند یا بازوهایت که کلنگ و بیل را جابجا کرده؟! رگ‌های شقیقه‌ات یا دور چشمانت طوری می‌پَرنند، که انگار عزا گرفته‌اند و به سر و سینه می‌کوبند در مصیبت این همه فشار؛ بدتر اینکه کسی نیست تا با او حرف بزنی! اساساً مقنی‌ها کم‌حرف‌اند و بیشتر اهل کار. فرق مقنی و مغنی هم در همین لب و دهن تکان دادن است.

روی حساب و کتاب سرانگشتی، چند کلنگ دیگر بزنی، قال قضیه کنده شده و به آب می‌رسی و همین انگیزه می‌دهد به روح‌ت تا جسمت نیز پای کار بماند. محکم‌تر کلنگ می‌زنی تا زودتر تمام شود. آب می‌جوشد و صلواتی می‌فرستی... خاک‌ها را توی کیسه که ریختی، رفیقت را صدا می‌زنی تا تو را از چاه بیرون بکشد؛ وقتی علاوه بر طنابی که دور کمر بستی، دست و پاهای ضعف کرده را به دیواره چاه زدی و بیرون آمدی؛ حالا وقت طلبکار بودن و عُرزدن است.

اما مولای ما که مجمع اضداد است، آستین‌هایش را هنوز پایین نداده، فرزندشان را صدا می‌زد که بیا و آن لوح را هم با خودت بیاور تا وقفش کنم برای ... این واقعه، فقط یک بار نبوده؛ بلکه بارها و بارها تکرار شده. تازه آن هم در زمانی که اهل «حکومت» بوده و به قول عده‌ای «خانه‌نشین» نبوده. آنها پی برده بودند به اینکه «کونوا دعاه الناس صامتین»؛ کوشش خود را برای تمرین این دستور به کار بگیریم که بی‌زبان و بی‌تکلم همه را به سوی علی علیه‌السلام فرا بخوانیم و در شب‌های قدرمان به خُلق او نزدیک شویم.